



<http://www.arianafghanistan.com>



اول جولای ۲۰۲۰



خلیل الله معروفی

نسیم افغانی - بینی خمیری خامنه‌ئی



وضع رقتبار مردم هردم شهید افغانستان در این چار دهه و یک پخته بر (۱)، آنقدر هویدا و آشکارا و نمایان است، که آدم منکر وجود "ماه و انجم" و حتی منکر "آفتاب جهانتاب" و "مهر درخشان" شده میتواند، ولی این وضع اسفناک و غمناک افغانان را انکار کرده نمیتواند. وطنداران ما نه تنها در داخل وطن، بلکه در تمام دنیا این وضع اسفبار را تجربه کردند. اما حدیث زجر و ستم و بلکه شکنجه و "عَرَب و عَرَب" - گشتن پناهجویان مسکین افغان در دو کشور همسایه بدخواه و بدگنیش ما - پاکستان و ایران - شرم زبان و آبروی تاریخ گشته است. درین مختصر مکتبی کوتاه میکنم به وضع دردناک وطندارانم در ایران، که به گراف و به ناروا و به ناحق، "جمهوری اسلامی ایران" خوانده میشود

جرم و جنایتی را، که رژیم منحوس و فاشیستی ایران در حق پناهندگان بی پناه افغان در تمام این مدت تقریباً نیم قرنه مرتکب شده است، از احد من الناس پوشیده نمانده است. این، که رژیم ددمنش ایران چنین برخورد ظالمانه را مرتکب میشود و بلکه پیوسته شده میرود، باکی نیست!!!

- از رژیم سفاک و خونریز و خوناشامی، که مردم خود را بیرحمانه سرکوب کرده و سرکوب کرده میرود، نباید انتظار داشت، که بر پناهندگان و پناهجویان بیگس و "بی وزل" افغان رحم کند.

- گله ما و گله کاملاً بحق ما افغانها از "مردم ایران" است، که نیز بالاخر با افغانان بیچاره و بی پناه، برخورد تبعیض طلبانه و ظالمانه داشته اند. به گفته همان بیت مشهور:

باکم از تُرکان تیرانداز نیست!!!

طعنه تیرآورانم می کشد!!!

بلی؛ گله ما افغانها از مردم ایران است، که با اکثریت قاطع، برادران افغان خود را اذیت کرده اند و آزار بسیار داده اند. انکار نمیکنم، که درین میان ایرانیان نجیب و رحمدل و دلسوز هم کم نبوده اند و نیستند، که با تمام توان و امکانات خود در پهلوی برادران افغان خود ایستاده اند و می ایستند؛ و متأسفانه تعداد این برادران و خواهران شریف ایرانی ما بسیار کم است. من این

^۱ - "پخته بر" یکی از واحدهای اوزان قدیم افغانستان است، که دقیقاً شانزدهمین حصه یک "پاو" میشود. در سیستم اوزان قدیم کابلی، یک "سیر"، معادل چار "چارک" و هر "چارک" معادل چار "پاو" بود. بعداً "پاو" را به چار حصه تقسیم کرده و هر حصه اش را "خورد" نام داده بودند. و سپس همین "خورد" را به چار حصه تقسیم کرده بودند، که هر حصه اش "پخته بر" نامیده میشد. در مثال بالا مراد از یک "پخته بر" معادل یک "ربع" استعمال شده است.

سخنان را از "دل گرم" خود نمیزنم و تکیه ام تنها شنیدگیها و خواندگیها و آثار مطبوع و مسموع و مرئی نیست!!! من، که بنا بر اجبار خانوادگی و فامیلی، جمعاً شانزده بار به این کشور "سرکوبگر" سفر کرده ام، بسا چیزها را به چشم سر دیده ام. در "دفتر خاطرات ایران"، تمام خوب و خراب و نیک و بد سفرهای دور و درازم را ثبت کرده ام. امید است این دفتر را روزی بیرون داده بتوانم

بعد از حادثه دلخراش غرق کردن پناهجویان مظلوم و دست و پای بسته افغان در دریای خروشان "هریرود" و بعداً به گلوله بستن و به اصطلاح فارسی ایران، "به آتش کشیدن" موثر حامل پناهندگان افغان در شهر "یزد" ایران، که ضمن آن چندین هموطن مظلوم ما در آتش سوختند و کباب شدند و دودشان به آسمانها بالا شد، موجی از اعتراضات شدید و دامنه‌دار در داخل و خارج افغانستان برپا گشته و لرزه بر اندام رژیم تبهکار و فاشیستی ایران انداخت. حالا همین رژیم توطئه‌گر و "خایه مال" – بدون این، که از ملت و مردم افغانستان و از فامیلیهای بازماندگان قربانیان لاقفل پوزش بخواهد – راه تملق و چاپلوسی و حرامزادگی را در پیش گرفته است. از مدت دو هفته بدین طرف داستان "نسیم افغانی" را سر زبانها انداخته اند

به گفته مطبوعات مربوط به رژیم پلیید و منحوس و نجس ایران، "نسیم افغانی" از جمله فدائیان بود، که به نفع رژیم کربلانی ایران به جبهات جنگ عراق رفت و همدرانجا کشته شد؛ و این درست در سال ۱۳۶۱ هجری بود. و این زمانی بود، که اتحاد شوروی تجاوزگر افغانستان را در اشغال نظامی خود درآورده و دمار از روزگار ما کشیده بود. در جوش این جنگها در میهن عزیز ما بود، که فردی از هموطنان هزاره ما به نام "نسیم افغانی" روانه جبهه جنگ عراق میشود و همدرانجا کشته میشود. به قرار احصائیه‌ها و آمار رسمی رژیم ایران، حدوداً "دو هزار" افغان در جنگ "عراق – ایران" کشته شده بودند. اما احصائیه‌های غیر رسمی این رقم را "ده تا پانزده هزار" کشته میدانند. از جمله این همه کشتگان افغان در جنگ عراق، اینک رژیم مزور و نیرنگ‌باز و قلاش ایران، کلاه بافتگی "نسیم افغانی" را از زیر منھا خاک در نزدیکی "بغداد" کشف میکند و عظام رمیم او را به حیث "شهید مطهر" در تابوتی انداخته به بارنامه بر شانه‌ها حمل کرده و به تهران می‌آوردند. که بعداً به هدایت "رهبر جمهوری اسلامی ایران – آیت‌الله خامنه‌ئی" در جوار مرقد "امام رضا" در "مشهد گویا مقدس" به خاک سپرده میشود

این، که "نسیم افغانی" در پهلوی هزاران هموطن دیگر ما به عوض جنگ در دفاع از ناموس و وطن خود، در کشور بیگانه و به نفع یک رژیم "خبیث فاشیستی"، به جبهه عراق میرود، خود گناهی‌ست کفورانه و سخت "نابخشودنی"، که از هیچ رهگذر قابل دفاع و توجیه نیست – نه از نگاه "افغانیت" و نه از نگاه "اسلامیت" و نه از نگاه "انسانیت"!!!

به میدان انداختن این موضوع دقیقاً در همین مقطع متشنج زمانی، خُدعه و نیرنگ و چال و فریب رژیم راسیستی و نازیستی و فاشیستی ایران را افشاء میکند. چنین نیرنگها در طول تاریخ زیاد دیده شده و رژیم نازی المان نیز ازین کارها را بسیار کرده است. رژیم "جمهوری اسلامی ایران" از نگاه ساختمان "گروههای ترور و سرکوب"، سخت به رژیم نازی هیتلر شباهت دارد. تشکیلات "سپاه پاسداران" و "بسج" عیناً کاپی یی عینی و صادق از گروههای سرکوبگر SS و SA در المان نازی هیتلری ست. به حیث معترضه یکی دو نکته جانبی را پیش میکشیم:

اگر ملاها و مولویهای افغان و ملاها و آخوندان ایرانی را باهم مقایسه کنیم، خواهیم دید، که ملاهای افغان از هیچ نگاه به پای آخوندهای شیاد و مفتن و مفسد و "مادر قحبه" ایران نمیرسند:

– نه از نگاه معلومات راست و دروغ دینی

– نه از نظر چال و خُدعه و نیرنگ و فریب و حرامزادگی

– و نه از نظر مال و ثروت و اندوخته‌های مادی

در حالی، که ملاهای افغان قانع و "چُسکی خور" هستند، آخوندهای ایران به "دریانوشی" هم قناعت نمیکنند. مصراع دوم همان بیت مشهور برادران هزاره ما در حق ملاها و آیت‌الله‌های قلاش ایرانی صدق میکند، که:

خواب اصحاب كهف چُزْتِ مَيَه

آب دريځاي شور فُزْتِ مَيَه

ملاها و آخوندهای ایران هرکدام به اثر تحميق توده های "ساده دل" و "خوشباور"، خود را صاحب آرگاه و بارگاه و حسابهای دهها و صدها ملیون دالری در داخل و خارج ایران ساخته اند. در ایران "خمس و زکات و خیرات و صدقات" همه به حساب روحانیان مفتخور و شکمبو و "اشباع ناپذیر" سرازیر و به گفته خودشان "اریز" میشود.

امید است زنده بمانم تا سقوط این رژیم فاشیستی را جشن بگیرم!!!

(خلیل الله معروفی - همبورگ - اول جولای ۲۰۲۰)



نسیم افغانی - بینی خمیری خامنه ئی

Maroofoi_k_nasim_afghanni_khaamnayii.pdf